

A Critical Examination of Heinz Halm's Theory Regarding Ja'far ibn 'Alī's Claim to the Imamate

Seyyed Ghasem Razzaghi Mousavi¹

Zeynab Rezanejad Kalaei²

(Received on: 2024-01-10; Accepted on: 2024-05-19)

Abstract

Ja'far, the son of Imam al-Hādī (AS), was a member of the Imamate family who, during three distinct periods of his life, directly or indirectly laid claim to the Imamate. This claim led to the formation of deviant movements in his own time and has been exploited by some contemporary researchers and orientalists. This article, employing a descriptive-analytical method and library-based data collection, aims to briefly examine and critique the perspective of the German scholar Heinz Halm regarding the Imami Shi'a belief in a hidden son for Imam Hasan al-'Askarī (AS). Halm cites the absence of an evident son for Imam al-'Askarī (AS), Ja'far's reliance on his familial lineage, the lack of mention of the name of the Imam of the Age (AS) in Imam al-Askari's will, and the contrast between the claim of an absent Imam and the physical presence and claim of Ja'far ibn 'Alī as evidence for Ja'far's Imamate and the Shi'a's initial acceptance of him as the Imam after Imam al-'Askarī (AS). The findings of this article indicate that Halm did not make proper use of Shi'a sources and that the mere absence of a name in a will cannot be proof of a claim's invalidity. By citing historical evidence and indications—including the negative reaction of Shi'a scholars, the rejection of Ja'far's claim by the representatives of the Imam of the Age (AS), the absence of signs of Imamate in Ja'far, especially the Shi'a emphasis on divine designation (naṣṣ), and the role of the Wikala network in undermining Ja'far's claim—the falsehood of Halm's assertion and the establishment of the Imamate of Imam al-Mahdi (AS) can be substantiated.

Keywords: Ja'far ibn 'Alī al-Hādī, Orientalists, Halm, Imamate and Occultation

1. Assistant Professor, Department of Shi'ite History, Institute for the Study of Islamic Culture and History, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: razzaghi@isca.ac.ir

2. Level Four (Advanced Level) Student, Jami'at al-Zahra (AS) (Seminary for Women), Qom, Iran. Email: zeinab1788@gmail.com

بررسی انتقادی نظریه‌های هالم درباره ادعای امامت جعفر بن علی (فرزند امام هادی علیه السلام)

سید قاسم رزاقی موسوی^۱

زینب رضائزاد کلائی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰]

چکیده

جعفر، فرزند امام هادی علیه السلام، یکی از افراد خانواده امامت بود که در سه برهه از زندگی اش به صورت مستقیم و غیرمستقیم ادعای امامت کرد که این ادعا موجب شکل‌گیری جریان‌های انحرافی در زمان خودش، و دستاویزی برای برخی پژوهشگران و خاورشناسان در عصر حاضر شد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی از راه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به بررسی و نقد اجمالی دیدگاه‌های هالم آلمانی درباره اعتقاد شیعه امامیه به فرزندپنهانی برای امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد. هالم، نبود فرزند آشکار برای امام عسکری علیه السلام، استناد جعفر به نسب خانوادگی، عدم ذکر نام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در وصیت‌نامه امام عسکری علیه السلام و همچنین تقابل میان ادعای امامت فرد غائب با حضور فیزیکی و ادعای امامت جعفر بن علی را، به عنوان دلایل اثبات امامت جعفر و پذیرش اولیه شیعیان پس از امام عسکری علیه السلام نسبت به او به عنوان امام ذکر کرده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که هالم استفاده درستی از منابع شیعی نداشته است و صرف نبودن نام در وصیت‌نامه، نمی‌تواند دلیلی بر نادرستی ادعا باشد. با استناد به قرائن و شواهد تاریخی، از جمله: واکنش منفی عالمان شیعه، رد ادعای جعفر توسط نمایندگان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نبود نشانه‌های امامت در جعفر به‌ویژه تأکید شیعه بر نص الهی، و نقش شبکه وکالت در تضعیف ادعای جعفر، می‌توان به بطلان ادعای هالم و اثبات امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دست یافت.

واژگان کلیدی: جعفر فرزند امام هادی علیه السلام، مستشرقان، هالم، امامت و غیبت

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) razzaghi@isca.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار، جامعه الزهراء (سلام الله علیها)، قم، ایران zeinab1788@gmail.com

مقدمه

مستشرقان با اهداف و انگیزه‌هایی متفاوت، مطالعات خود را بر روی اسلام‌شناسی و شخصیت‌های شاخص دین مبین اسلام متمرکز کرده‌اند. مسئله مهدویت و شخص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله موضوعات مهمی است که پژوهشگران غربی در دهه‌های اخیر، در چارچوب مباحث منجی آخرالزمانی، توجه ویژه‌ای به آن نشان داده‌اند. در حوزه شیعه پژوهی نیز بررسی منجی وعده داده شده در شیعه اثناعشری، یعنی «مهدی موعود»، به عنوان موضوعی برای تمام بشریت، جایگاهی برجسته دارد. از آنجاکه جعفر، عموی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان مدعی امامت شناخته می‌شد، این بخش از تاریخ تشیع توجه خاص مستشرقان و پژوهشگران غربی را به خود جلب کرده است. بازتاب این توجه را می‌توان در تولید آثار و فیلم‌های متعددی در سینمای هالیوود با محوریت مهدویت مشاهده کرد.

یکی از زمینه‌های انحراف در اوایل غیبت صغری، همین ادعای جعفر بود؛ ادعایی که به تشکیک در امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انجامید. بنابراین، نقد دیدگاه مستشرقان درباره جعفر از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا این مسئله همچنان بستری فراهم می‌آورد تا آنان، آن را دستاویزی برای پژوهش‌های خود قرار دهند و براساس آن، شبهه‌هایی درباره امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح سازند.

با توجه به گرایش دینی مستشرقان که غالباً غیرمسلمان (مسیحی یا یهودی) هستند، و نیز سابقه مواجهه‌های پیشین آنان با مسلمانان که در مواردی با جنگ‌ها و درگیری‌ها همراه بوده است، و همچنین رقابت‌های سیاسی و فرهنگی میان اروپاییان و مسلمانان، انتظار مواجهه‌ای کاملاً منطقی و منصفانه تا حدی خوش بینانه به نظر می‌رسد. همین امر، ضرورت بررسی دقیق آثار پژوهشگران غربی را دوچندان می‌کند؛ به ویژه آنکه بخش عمده آگاهی‌های آنان مبتنی بر منابع غیرشیعی است و پژوهش‌هایشان امروزه در دانشگاه‌های گوناگون اروپا، به عنوان مراجع اصلی آموزش و تحقیق، در کرسی‌های اسلام‌شناسی به کار گرفته می‌شود.

از این رو پژوهشگران مسلمان، آثار پژوهشی خاورشناسان را که با شبهاتی همراه است، به صورت مستند و نقادانه بررسی کرده‌اند. در این میان، هاینس هالم در کتاب مهمّ تشیع به طرح مطالبی درباره جعفر، فرزند امام هادی علیه السلام، و ادعای امامت وی پرداخته است. مقاله حاضر می‌کوشد ابعاد مختلف این دیدگاه را بررسی کند و موارد نقض و نقد آن را تبیین کند.

با توجه به شرایط زمانی، موقعیت اجتماعی و جایگاه خانوادگی جعفر بن علی (از قبیل قرشی بودن، هاشمی بودن، علوی و فاطمی بودن، انتساب به بیت امامت، و مهم‌تر از همه، اینکه پس از امام حسن عسکری علیه السلام تنها فرزند ذکور امام هادی علیه السلام بود که پس از شهادت ایشان زنده مانده بود و همه منابع بر تداوم نسل امام هادی علیه السلام از طریق جعفر و امام حسن عسکری علیه السلام اتفاق نظر دارند)، ادعای وی توانست زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌هایی در درون جامعه شیعی شود؛ جریان‌هایی که به بروز تردید در امامت امام حسن عسکری علیه السلام، انکار وجود امام دوازدهم و پیدایش برخی فرقه‌های انحرافی انجامید. اهمیت این مسئله از آن روست که امروزه مستشرقان و به پیروی از آنان برخی مخالفان شیعه، ادعای جعفر بن علی را ابزاری برای شبهه‌افکنی در باورهای شیعه، انکار وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تضعیف مذهب شیعه و امامیه قرار داده‌اند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه را می‌توان در دو شاخه دسته‌بندی کرد: یک. آثار مربوط به شخصیت‌شناسی جعفر بن علی و عقاید او؛ در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مقاله «بررسی نقادانه شخصیت‌شناسی جعفر بن علی در منابع روایی و تاریخی و تأثیر آن بر آغاز غیبت»؛ اثر محسن رحیمی جعفری و زینب رضانژاد، که به نقض احکام و عقاید دینی توسط جعفر کذاب و ادعای امامت او در دوران حضور و غیبت امام معصوم می‌پردازد.

۲. مقاله «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی»؛ نوشته مجید احمدی کجایی و سیدحسین شافع، که به هدایت نشدن جعفر بن علی و پایبندی او به عقاید انحرافی تا زمان وفات اشاره دارد.

۳. مقاله «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی»؛ از قدرت الله غلمانی، که به برخی از اقدامات وی پرداخته است.

۴. بخش سوم کتاب مکتب در فرایند تکامل؛ اثر سیدحسین مدرسی طباطبایی، که با عنوان «بحران رهبری و نقش راویان حدیث» ارائه شده، به عقاید جعفر بن علی و پیروان او تنها به صورت گذرا اشاره می‌کند.

۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «شخصیت و تأثیر جعفر بن علی در تشکیل جریان‌های انحرافی شیعه»؛ اثر زینب رضانژاد کلائی، به بررسی عقاید جعفر بن علی و پیامدهای آن می‌پردازد.

دو. منابع مربوط به تأثیرگذاری ادعای جعفر بن علی در پیدایش جریان‌های فکری و انحرافات عقیدتی؛ در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مقاله «بررسی و نقد ادعای امامت جعفر بن علی الهادی و پیامدهای آن»؛ نوشته زینب رضانژاد و محسن رحیمی جعفری و عزالدین رضانژاد، به بررسی ادعای امامت جعفر بن علی در مقاطع مختلف زندگی او، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، می‌پردازد.

۲. کتاب مکتب در فرایند تکامل، در فصل سوم، به اختصار به معرفی نام چند فرقه می‌پردازد که در پی این ادعا شکل گرفته‌اند.

۳. مقاله «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی بن الهادی»؛ به بررسی وضعیت چند فرقه‌ای می‌پردازد که پس از ادعای امامت وی شکل گرفته‌اند.

به‌طور کلی می‌توان گفت تفاوت محسوس پژوهش حاضر با منابع نام‌برده در این است که اگرچه همه آن‌ها به زندگانی و ادعای جعفر بن علی پرداخته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل و تخصصی

درباره شبهاتی که مستشرقان درباره این ادعا مطرح کرده‌اند، صورت نگرفته است. بنابراین پژوهش پیش‌رو می‌کوشد دیدگاه‌های هایس هالم، از مستشرقان شیعه‌پژوه، را درباره ادعای جعفر بن علی به صورت انتقادی بررسی و تحلیل کند.

مفهوم‌شناسی

۱. «مستشرق»: در فرهنگ لغت به دانشمندی اطلاق می‌شود که در شناخت مشرق‌زمین و حوزه‌هایی چون ادبیات، فرهنگ، مذهب، علوم، هنرها و دیگر مسائل مرتبط با آن‌ها به تحقیق و پژوهش می‌پردازد (معین، ۱۳۸۵ ش: ص ۱۰۰، واژه مستشرق؛ انوری، ۱۳۸۱ ش، ص ۶۹۶۵، کلمه مستشرق).

۲. «جعفر بن علی»: فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام، با کنیه «ابوعبدالله» در سال ۲۲۶ ق در سامرا به دنیا آمد. او در برابر امامت سه امام معصوم و برگزیده، عناد ورزید و در برهه‌های مختلف زندگی اش ادعای امامت کرد که موجب گمراهی و تحقیر بسیاری از شیعیان سست عقیده در آن عصر شد؛ همچنین موجب پیدایش جریان‌های انحرافی در شیعه شد. وی در سال ۲۷۱ ق در شهر سامرا از دنیا رفت و در کنار قبر پدر و برادر بزرگوارش مدفون شد.

۳. «امام»: امامت در لغت و اصطلاح به مفهوم پیشوایی و رهبری اطلاق می‌شود. در مجمع البحرین، امام این‌گونه تعریف شده است: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا أَي يَأْتِمُ بِكَ النَّاسُ فَيَتَّبِعُونَكَ وَيَأْخُذُونَ عَنْكَ، لَأَنَّ النَّاسَ يَأْمُونُ أَفْعَالَهُ أَي يَقْصِدُونَهَا فَيَتَّبِعُونَهُ» (طریحی، ۱۳۸۷ ش: ج ۶، ص ۱۰). مؤلف کتاب العین، امام را این‌گونه تعریف می‌کند: «کل من اقتدی به، و قدّم فی الأمور فهو إمام؛ هرکس که مورد اقتدا قرار بگیرد و در کارها از او پیروی شود را امام می‌گویند» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۴۲۶).

از باب تطبیق معنای کلی «امام» بر مصادیق برجسته آن، این واژه در قرآن کریم به معانی گوناگونی اطلاق شده است؛ از جمله به «راه روشن» در آیه «وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ» (حجر: ۷۹)، به «کتاب آسمانی» در آیه «وَمَنْ قَبْلَهُ كَتَابٌ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً» (احقاف: ۱۲) و به «لوح محفوظ» در آیه «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» (یس: ۱۲).

کلمه «امام» در زبان عربی به معنای فرد یا چیزی است که مورد اقتدا قرار می گیرد. بر این اساس، مصادیق واژه امام، شامل قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ، جانشین پیامبر ﷺ، امام در نماز جماعت، فرمانده سپاه، راهنمای مسافران، ساربان شتران، و دانشمندی است که از او پیروی می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ص ۴۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۱-۳۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۱۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴؛ و برای مفهوم امامت ر.ک: طوسی، قواعد العقائد، ص ۴۵۷؛ حلی، ۱۳۸۳ش: ص ۶۶).

۴. «غیبت»: ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «به تمام چیزی که از تو پنهان می شود، غیب می گویند، همچنین آنچه از دیدگان غایب می شود نیز غیب است؛ اگرچه در قلب ها وجود داشته باشد و گفته می شود صدایی را از ورای غیب، بالاتر از مکانی که می بینیم آن را شنیدیم» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۶۵۴، ذیل واژه غیب). راغب می گوید: «الغیب از غروب کردن خورشید و غیر آن گرفته شده است؛ یعنی وقتی خورشید از دیدگان پنهان شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۱۶). فراهیدی غیبت را از پنهان بودن می داند؛ بنابراین وقتی گفته می شود «اغابت المرأة» یعنی زن دور شد هنگامی که شوهرش از او دور شده باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۱۳۶۳).

غیبت در اصطلاح، دورانی از زندگانی امام است که به پنهان زیستی مجبور می شود. بر این اساس، دوازدهمین جانشین پیامبر ﷺ در سال ۲۶۰ق، بعد از شهادت پدر بزرگوار خویش و در پنج سالگی از دیده ها غایب شد. در مبحث مهدویت، غیبت در دو دوره مطرح است: غیبت صغری (۲۶۰ق-۳۲۹ق) و غیبت کبری (۳۲۹ق تا کنون) (رحیمی جعفری، ۱۳۹۱ش، ص ۳۵، ۳۹).

شخصیت‌شناسی و آثار

هاینس هالم در سال ۱۹۴۲ م در شهر آندرناخ آلمان به دنیا آمد. او پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه «بن» به مطالعه تاریخ و اسلام‌شناسی پرداخت و پس از اخذ دکترای فلسفه اسلامی در سال ۱۹۶۹ م، یعنی در ۲۷ سالگی، به عنوان استاد این رشته در دانشگاه توپینگن انتخاب شد. هالم چند سال نیز در دانشگاه سوربن پاریس به تدریس پرداخت. محور مطالعات و تحقیقات او تاریخ اسلام در خاور نزدیک، شیعه و فرقه اسماعیلیه است. او درباره شیعه تحقیقات گسترده‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان او را در این حوزه در آلمان بی‌همتا دانست (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۲: ص ۷۴-۷۸).

محور مطالعات هالم شامل تاریخ اسلام در خاورمیانه، به ویژه مصر و آفریقای شمالی، و فرقه‌های اسماعیلیه و شیعه بوده است. آثار او نشان می‌دهد که پیش از بروز جریان‌های سیاسی در کشورهای اسلامی، هالم از چارچوب‌های تحقیقی و پژوهشی خود خارج نشد و به مسائل سیاسی کمتر پرداخت؛ با این حال، تحقیقات او در سال‌های بعد از ۱۹۸۲ م جزء موضوعات «بنیادگرایی» امروز نویسندگان غربی به شمار می‌آید.

تألیفات مهم او عبارت‌اند از: جهان‌شناسی نزد اسماعیلیان، شناخت اسلام، شیعه افراطی و علویان، حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صعود فاطمیان، اسلام شیعی از دین به سوی انقلاب، تاریخ جهان عرب، تصوف اسلامی، طریقت‌های درویشان شیعه در ایران (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۲: ص ۷۴-۷۸). هاینس هالم به ضرورت نگارش کتابی درباره تاریخ شیعه پی برده، و این کتاب را در پنج فصل، مشتمل بر ۳۴ بخش، به نگارش درآورده است. تلاش‌های او در گردآوری منابع این کتاب، که بالغ بر سیصد جلد می‌شود، شایان تقدیر است.

تبیین دیدگاه هالم درباره امامت جعفر

هاینس هالم، پژوهشگر آلمانی مطالعات شیعه، در آثار خود به بررسی ادعای امامت جعفر بن علی (معروف به جعفر کذاب، برادر امام حسن عسکری علیه السلام) و دلایل رد این ادعا از سوی اکثریت

شیعیان می پردازد. وی بیشتر بر بحران جانشینی پس از امام حسن عسکری علیه السلام و نقش جعفر در این رویداد تمرکز دارد. نکات مهمی که او در این باره اشاره می کند، عبارت اند از:

- وجود نداشتن فرزند آشکار برای امام حسن عسکری علیه السلام: هالم تأکید می کند که وفات امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق بدون حضور جانشین آشکار، خلأ رهبری در جامعه شیعه ایجاد کرد. برخی از شیعیان ابتدا به برادر او، جعفر، به عنوان جانشین روی آوردند؛ چراکه فرزندی از امام عسکری علیه السلام به طور عمومی شناخته شده نبود (هالم، ۱۳۸۵: ص ۱۵۸).
- استناد جعفر به نسب خانوادگی: جعفر ادعا می کرد به دلیل نسب برادری با امام حسن عسکری علیه السلام، حق امامت را دارد. هالم اشاره می کند که این استدلال برای برخی شیعیان سردرگم پذیرفتنی بود؛ اما نبود «نص» (تصریح الهی) از سوی امام پیشین، مشروعیت او را زیر سؤال برد (هالم، ۱۳۸۵: ص ۱۵۹).

هاینس هالم ادعای امامت جعفر را، نه براساس شواهد معتبر، بلکه ناشی از بحران جانشینی و سردرگمی موقت شیعیان می داند. او همچنین به تأثیر و پیامدهای این ادعا در جامعه شیعه اشاره دارد؛ از جمله ایجاد شکاف در میان شیعیان و واکنش منفی عالمان، و رد ادعای جعفر توسط اکثریت آنان که بر مبنای الهیات غیبت استوار بود. او با اشاره به شکست جعفر در جلب حمایت عمومی، نتیجه نهایی را تثبیت نظریه غیبت امام دوازدهم و خارج شدن تشیع دوازده امامی از بحران جانشینی می داند.

بررسی و نقد دیدگاه هالم

دیدگاه هالم درباره امامت جعفر را می توان در دو بخش، بررسی و نقد کرد:

۱. نقد کلی دیدگاه هالم

دیدگاه هالم در تفسیر ادعای امامت جعفر بن علی در مطابقت با منابع امامی، اشکالات و نواقصی دارد:

الف) منابع امامیه به صراحت، امام حسن عسکری علیه السلام را جانشین بلا فصل امام هادی علیه السلام معرفی کرده اند و هرگونه ادعای جعفر را رد می کنند. برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد: امام هادی علیه السلام فرمود: «الْحَسَنُ ابْنِي هُوَ الْخَلِيفُ مِنْ بَعْدِي... فَهُوَ صَاحِبُكُمْ بَعْدِي؛ پسر من حسن جانشین من است... او پس از من صاحب امر شماست» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۲۵) یا امام هادی علیه السلام در نامه ای به شیعیان می نویسد: «الْحَسَنُ ابْنِي هُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي» (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۴۳). شیخ مفید نیز گزارش داده است که امام هادی علیه السلام در حضور چهل نفر از یارانش، امام حسن عسکری علیه السلام را به امامت منصوب کرده است (مفید، ۱۴۱۳ الف: ج ۲، ص ۳۱۳). در گزارشی دیگر، امام هادی علیه السلام با اشاره به امام عسکری علیه السلام به اصحابش فرمود: «هَذَا صَاحِبُكُمْ بَعْدِي، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا» (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ص ۴۴۱). بنابر گزارش شیخ طوسی شیعیان پس از شهادت امام هادی علیه السلام به وصیت ایشان درباره امامت حسن عسکری علیه السلام اجماع کردند (طوسی، ۱۴۲۳: ص ۲۱۳).

ب) با توجه به شهرت جعفر بن علی به سبب ادعای دروغین امامت، در منابع رجالی و تاریخی شیعه او به «جعفر کذاب» و محروم از امامت مشهور شد؛ با این حال، هالم به این شهرت توجهی نکرده؛ بنابراین دیدگاه او پذیرفتنی نیست. به روایت شیخ طوسی، جعفر پس از شهادت برادرش، امام عسکری علیه السلام، ادعای امامت کرد؛ اما شیعیان به دلیل وصیت امام هادی علیه السلام و وجود فرزند امام عسکری علیه السلام، ادعای او را تکذیب کردند (طوسی، ۱۴۲۳: ص ۲۴۷). در گزارشی دیگر آمده است که با ادعای جعفر به امامت، اکثریت شیعیان او را رها کردند و به امامت فرزند امام عسکری علیه السلام گرویدند (نوبختی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۱). پیش از شهادت، امام هادی علیه السلام نیز جعفر را از امامت محروم و به دروغ گویی متهم کرد (طوسی، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۸۲۶).

ج) هالم به اختلافات پس از امام هادی علیه السلام بیش از حد تأکید می کند؛ در حالی که منابع نشان می دهند اکثریت قاطع شیعه از امام عسکری علیه السلام پیروی کردند و جعفر توسط گروهی معدود پذیرفته شد. سعد اشعری تصریح دارد پس از امام هادی علیه السلام، شیعه به چهارده فرقه تقسیم شد؛

اما فقط گروهی اندک (جعفریه) از جعفر پیروی کردند (سعد بن عبدالله، ۱۹۶۳: ص ۱۱۰). شیخ صدوق نقل کرده است امام هادی علیه السلام در نامه‌ای به علی بن عمر نوشت: «هرکس از امامت حسن [عسکری] خارج شود، از دین خدا خارج شده است» (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۴۸). در گزارشی دیگر آمده است، شیعیان در سامرا پس از شهادت امام هادی علیه السلام به خانه امام عسکری علیه السلام رفتند و با او به عنوان امام بیعت کردند (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۵۰۳). شیخ مفید آورده است که امام عسکری علیه السلام در زمان حیات پدرش (امام هادی علیه السلام)، توسط شیعیان به عنوان امام شناخته می‌شد (مفید، ۱۴۱۳ الف: ج ۲، ص ۳۳۵). براساس گزارشی از ابن ابی الثلج، در زمان امام عسکری علیه السلام به ایشان مالیات شرعی (خمس و زکات) می‌پرداختند، نه به جعفر (ابن ابی الثلج بغدادی، ۱۴۱۰: ص ۲۵).

د) بی‌توجهی هالم به اسناد روایی معتبر، یکی از مهم‌ترین خطاهای او محسوب می‌شود و دیدگاهش درباره امامت جعفر را با نقص جدی مواجه ساخته است. برخی از روایات معتبر که اهمیت این مسئله را روشن می‌کنند، عبارت‌اند از: امام عسکری علیه السلام در نامه‌ای نوشت: «خداوند پس از من، فرزندم مهدی را امام قرار داد... و جعفر دروغ‌گو را لعنت کند» (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۴۷۵) یا امام هادی علیه السلام به یارانش گفت: «فرزندم حسن [عسکری] وصی من است و او صاحب شما پس از من خواهد بود» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۲۸). در روایتی دیگر، امام عسکری علیه السلام پیش از شهادت، وجود فرزندش (مهدی) را به چهل نفر از اصحاب خاصش نشان داد (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ص ۲۴۴). همچنین امام عسکری علیه السلام در پاسخ به نامه شیعیان درباره جانشینی فرمود: «خداوند پس از من، فرزندم مهدی را امام قرار داده است» (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ص ۴۵۰).

ه) ادعای هالم درباره امامت جعفر با مبانی کلامی شیعه در تعارض است؛ زیرا امامت در شیعه نیازمند نص صریح و علم لدنی است و نیاز به عصمت دارد که جعفر این ویژگی‌ها را نداشت. منابع حدیثی و کلامی نیز بر این موضوع تأکید دارند: کلینی آورده است، امامت پیمانی الهی است که با نام و نسب مشخص می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۸۶)، شیخ مفید امامت جعفر

بن علی را به دلیل عدم نص از امام پیشین، درباره او باطل می‌داند (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ص ۴۵)، سید مرتضی نیز امامت بدون نص و تعیین الهی را باطل دانسته و معتقد است جعفر هرگز چنین نصی نداشت (سید مرتضی، بی تا: ج ۲، ص ۱۴۵).

و) یکی دیگر از نواقص دیدگاه هالم، بی توجهی او به رد جعفر، توسط خاندان امامت است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که حتی نزدیکان جعفر، از جمله مادر (حدیث) و برادرانش، ادعای او را رد کردند. مادر امام عسکری علیه السلام در حضور جعفر، امامت فرزندش حسن علیه السلام را تأیید کرد (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۴۸). برادران جعفر، از جمله موسی بن علی، امامت حسن عسکری علیه السلام را پذیرفتند (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ص ۴۴۱). علاوه بر این، امام هادی علیه السلام در حضور خانواده، جعفر را از امامت محروم کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴ ص ۴۳۴).

ز) عدم ارتباط و مدیریت جعفر با شبکه وکالت، یکی دیگر از نقاط ضعف دیدگاه هالم است؛ او می‌توانست از این نکته برای رسیدن به ارزیابی صحیحی از امامت جعفر استفاده کند؛ اما توجهی نکرد. شبکه وکالت شیعه که توسط ائمه علیهم السلام اداره می‌شد هرگز جعفر را به عنوان امام به رسمیت نشناخت. وکلای امام عسکری علیه السلام مانند عثمان بن سعید، به جمع‌آوری خمس ادامه دادند (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۵۲۱) و نامه‌های امام عسکری به وکلا امامت ایشان را اثبات می‌کند (طوسی، ۱۴۲۳: ص ۲۱۵). همچنین وکلای امام در مناطق مختلف، مردم را به امام عسکری علیه السلام هدایت می‌کردند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۲۴۳).

ح) نکته مهم‌تر در این موضوع که از دید هالم مغفول ماند، نقد ادعای جعفر در منابع اهل سنت است. بررسی این منابع می‌توانست هالم را در شکل‌گیری دیدگاهی صحیح و مستدل درباره امامت جعفر یاری کند. خطیب بغدادی، جعفر بن علی را به دلیل فساد اخلاقی نزد اهل سنت منفور می‌داند (خطیب بغدادی، ۱۹۹۷: ج ۱۲، ص ۵۶). ابوالفرج اصفهانی به همکاری جعفر با حکومت عباسی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام اشاره می‌کند که نزد شیعیان پذیرفتنی نبود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ ق: ص ۴۹۸)؛ به دلیل همین ارتباط، جعفر نزد شیعیان مورد اعتماد

نمود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۳۲، ص ۲۲۱)؛ حتی در منابع رجالی اهل سنت به دروغ‌گویی متهم شده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۳ ص ۱۱۹). با توجه به این واقعیت‌ها، چنین فردی چگونه می‌توانست از سوی شیعیان به عنوان امام پذیرفته شود؟

ط) یکی دیگر از نقاط ضعف دیدگاه هالم، بی‌توجهی او به روایات غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و اجماع علمای شیعه از کلینی تا معاصران است، که همه جعفر را کذاب دانسته‌اند. این بی‌توجهی، نقص جدی دیدگاه هالم درباره ادعای امامت جعفر به شمار می‌آید. در گزارشی امام عسکری علیه السلام فرزندش را به چهل نفر از اصحاب نشان دادند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۲۴۴) و امام هادی علیه السلام خبر از غیبت امام دوازدهم دادند (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۲۸). جعفر در تمامی منابع رجالی شیعه تضعیف شده (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۱۲۳) و ادعای او نزد علمای شیعه مردود شناخته شده است (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۱ ص ۲۸۴).

نتایج این نقدها نشان می‌دهد ادعای هاینس هالم درباره امامت جعفر بن علی، پشتوانه تاریخی و اعتقادی در منابع معتبر شیعه ندارد. تناقض در نوشتار هالم در بخش‌های بعدی کتابش نیز آشکار است؛ او در بخش چهارم، امام دوازدهم شیعیان را انکار می‌کند؛ در حالی که در بخش پنجم، درباره غیبت کبری، انتظار بازگشت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، نواب اربعه و توقیعات امام دوازدهم سخن می‌گوید. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت هاینس هالم برای نوشتن کتاب تاریخ تشیع، از منابع شیعی دسته اول استفاده نکرده و گویا از مطالعات دیگر شرق‌شناسان استفاده کرده است. بنابراین، نکاتی که در این کتاب ارائه شده است، اشکالات و تناقض‌های جدی دارد.

۲. نقد موارد جزئی دیدگاه هالم

۲-۱. امامت پنهان و وصیت آشکار

هالم با بررسی شرایط امامت، امانه از منظر شیعیان، و با توجه به حضور و غیبت امام و نظریه فقهی تقسیم ارث نه از نگاه فقه‌های شیعه، امامت جعفر بن علی را با فرض نبود فرزند برای امام

حسن عسکری علیه السلام تقویت می‌کند. هالم در کتابش می‌گوید: «اعتقاد به امام غائب یا پنهان با عقیده به امام زنده حاضر برابری می‌کرد» یا درباره امامت دو برادر می‌گوید: «عقیده افضحیه بعد از درگذشت یازدهمین امام، رواجی زودگذر یافت و گروهی از پیروان، برادر امام متوفا را جانشین وی اعلام کردند» (هالم، ۱۳۸۵: ص ۶۸-۷۰).

هرچند این شبهات در کتاب تشیع هاینس هالم، شبهه جدیدی نیست و در قرون گذشته نیز افرادی با طرح چنین شبهاتی در صدد تشویش اذهان عمومی بوده‌اند و همان‌گونه که این مسئله در سده‌های نخستین مطرح شده، شیخ مفید نیز پاسخ‌هایی متقن و استوار به آن داده است؛ با این حال، اهمیت شبهات هاینس هالم در آن است که پس از وی، مستشرقان دیگری مانند ادموند هایس^۱ نیز به این موضوع پرداخته‌اند و آن را به صورت مفصل‌تر پی گرفته‌اند.

نقد

نظر هالم درباره امام پنهان را می‌توان به چند صورت پاسخ داد: نخست آنکه، احادیث فراوانی درباره غیبت امام دوازدهم شیعه - اعم از غیبت کوتاه مدت و غیبت طولانی مدت - از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و نیز از دیگر امامان نقل شده است که از همان صدر اسلام در میان شیعیان مطرح بوده؛ بنابراین، جامعه شیعه از پیش با مسئله غیبت آشنایی داشته و برای پذیرش آن آماده بوده است.

دوم آنکه، پنهان بودن چیزی دلیل بر نبود آن نیست؛ چنان‌که در زندگی روزمره نیز اموری مانند درد یا قوه اراده، با وجود آنکه قابل مشاهده حسی نیستند، واقعیت آن‌ها مورد پذیرش همگان است. افزون بر این، در تاریخ پیامبران نیز نمونه‌هایی از تولد پنهانی، مانند حضرت موسی علیه السلام (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۳۴۰)، و رشد و پرورش پنهانی حضرت ابراهیم علیه السلام (صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۵۷۷) گزارش شده است؛ بنابراین پنهان بودن، به خودی خود، دلیلی بر نبودن نیست.

1. Edmund Hayes.

سوم آنکه، پدیده غیبت، منحصر به امامان شیعه نیست؛ بلکه در تاریخ پیامبران پیشین نیز سابقه داشته است؛ به گونه ای که شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمة بابی مستقل را با عنوان «غیبت انبیا» به تبیین این مسئله اختصاص داده است (صدوق، ۱۳۹۵ الف، ج ۱، ص ۱۲۷). شیخ مفید نیز در پاسخ به این شبهه آورده است:

انتقادکنندگان معتقدند اگر حسن بن علی علیه السلام دارای فرزندی بود، در هنگام بیماری به فرزند خود وصیت می نمود و او را سرپرست اموال و اوقاف خود قرار می داد؛ درحالی که آن حضرت مادر خود «ام حسن» را وصی قرار داده و تصرف در اموال خود را به او واگذار نموده است. این وصیت را دلیلی بر این قرار دادند که آن حضرت چون فرزند نداشت مادر خود را وصی قرار داد؛ درحالی که این چنین نبوده و اتفاقاً این وصیت نه تنها دلیلی بر عدم فرزند نیست؛ بلکه می توان آن را دلیل و نشانه تلاش امام بر مخفی نگه داشتن فرزندش دانست. این موضوع را باید در بستر زمانی خودش و فضای اجتماعی و سیاسی آن دوره بررسی کرد. در دوره ای که به شدت امام در حصر و تنگنا بود، تنها اشاره به نام فرزند می توانست موجب تحریک دستگاه خلافت برای یافتن فرزند امام و در نهایت قتل او را به همراه داشته باشد. امام برای پیشگیری از این موضوع و زنده نگه داشتن فرزندش، اقدام به چنین وصیتی کرد. البته امام با هدف اعتبار ظاهری دادن به این وصیت، نام برخی بزرگان دستگاه خلافت مانند واثق، محمد بن مأمون و فتح بن عبدربه را در وصیت نامه ذکر کرد تا مورد تأیید خلافت عباسی قرار بگیرد و همچنین می توانست گریزی برای شیعیان از اتهام به وجود فرزند برای امام عسکری علیه السلام شود (مفید، ۱۴۱۳ (ب): ص ۶۹).

بنابراین می توان گفت کسانی که برای اثبات عدم فرزند امام عسکری علیه السلام به این وصیت استناد می کنند، با شیوه های تدبیر سیاسی در سیره امامان که پیش تر نیز سابقه داشته، آشنایی کافی ندارند. به عنوان نمونه، می توان به وصیت امام صادق علیه السلام در تعیین جانشین اشاره کرد؛ ایشان برای محافظت از جان جانشین واقعی، چهار نفر را مشخص کردند: «منصور» خلیفه وقت، «ربیع» وزیر دربار خلیفه، همسرشان «حمیده بربری» و پسرشان «امام کاظم علیه السلام» (مفید، ۱۴۱۳ (ب):

ص ۵۳-۵۴). علاوه بر این، نکته برجسته در دیدگاه شیعه، نص امام پیشین بر امامت و وصایت امام بعد، و تصریح ایشان به امامت اوست؛ امری که از سوی امام حسن عسکری علیه السلام تحقق یافته است (کلینی، ۱۳۸۸ ش: ص ۳۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۵ الف: ج ۲، ص ۳۸۴).

۲-۲. وصیت‌نامه امام عسکری علیه السلام

درباره علت ذکر نشدن نام فرزند در وصیت‌نامه امام عسکری علیه السلام و نیز اقدام جعفر در این دوره، باید توجه داشت که در وصیت‌نامه موجود، مادر ایشان به عنوان وارث تمامی اموال شخصی حضرت معرفی شده است. با این حال، بنابر گزارش منابع تاریخی، جعفر با وجود زنده بودن مادر امام، برخلاف آنچه در وصیت برادر تصریح شده بود، خود را وارث ماترک برادر قرار داد؛ اقدامی که مبتنی بر مبنای فقهی اهل سنت است و در این مورد با فقه شیعه تفاوت دارد. بر مبنای فقه اهل سنت در صورت نبود فرزند، ماترک بین مادر و برادران و خواهران تقسیم می‌شود (صدوق، ۱۳۷۷ ش: ص ۱۷۱؛ صدوق، ۱۳۹۵ اب: ص ۴۷-۵۸)؛ در حالی که در فقه شیعه، والدین از درجه اول وراثت به شمار می‌آیند و با وجود آن‌ها نوبت به وراثت درجه دوم، یعنی برادران و خواهران، نمی‌رسد (صدوق، ۱۳۷۷ ش: ص ۱۷۱؛ صدوق، ۱۳۹۵ اب: ص ۴۷-۵۸). از آنجاکه جعفر بن علی برادر و از وراثت درجه دوم محسوب می‌شود، طبق فقه شیعه ارثی به او تعلق نمی‌گرفت (صدوق، ۱۳۷۷ ش: ص ۱۷۱؛ صدوق، ۱۳۹۵ اب: ص ۴۷-۵۸).

با این حال، بنابر منابع تاریخی، جعفر بر مطالبه خود پافشاری کرد و با مراجعه و شکایت به دستگاه خلافت عباسی، اختلاف بالا گرفت (صدر، ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ص ۲۹۹). این اقدام، انحراف فکری جعفر از فقه شیعه را نشان می‌دهد؛ زیرا مراجعه به قاضیان خلافت جور، حتی در صورت حقانیت، جایز نیست. با این حال، او بدون توجه به این اصل، مطالبه ناحق خود را از خلیفه عباسی پی گرفت. گفته می‌شود پس از هفت سال، میراث امام عسکری علیه السلام میان جعفر و مادر امام یا خواهر امام تقسیم شد (نوبختی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۵؛ اشعری، ۱۳۶۰: ص ۱۰۲؛ ابن حزم ظاهری، بی تا: ج ۴، ص ۱۵۸)؛ ذکر اینکه خواهر امام نیز وارث بود، تنها در منابع اهل سنت آمده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۳،

ص ۱۲۱، به نقل از ابن حزم، بی تا: ج ۴، ص ۱۵۸). در نهایت، مائترک امام یازدهم شیعیان، برخلاف فقه امامیه و براساس فقه عامه تقسیم می شود (صدر، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۳۱۴).

نقد

در مقام بررسی و نقد باید گفت، یکی از منابعی که هاینس هالم در کتابش از آن استفاده کرده، الإرشاد شیخ مفید است؛ با این حال، وی عباراتی را نقل کرده که با منابع معتبر شیعی ناسازگار و متناقض است. او می نویسد امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام هنگام رحلت در سامرا، در اول یا هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق در ۲۸ سالگی به ظاهر از خود پسری بر جای نگذاشت.

علاوه بر این، اشکال دیگری که به هالم وارد است آن است که منبعی که وی این گزاره را از آن نقل کرده، اصلاً چنین ادعایی را بیان نکرده است. هاینس هنگام نقل سال وفات امام حسن عسکری علیه السلام از منابع شیعی استفاده می کند؛ ولی به منبعی درباره بر جای نگذاشتن پسر از ایشان استناد نمی کند. به نظر می رسد وی این مطلب را از کتاب های اهل سنت نقل کرده باشد؛ زیرا چنین عباراتی برای انتساب عقیم بودن امام عسکری علیه السلام به شیعه در منابع اهل سنت متداول است (ر.ک: مصطفی الشکعه، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۶م؛ که به مبحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف پرداخته و درصدد اثبات عقیم بودن امام عسکری علیه السلام است).

در مقابل، منابع شیعی گزارش های متعددی از ولادت امام دوازدهم شیعه ارائه کرده اند؛ برای نمونه، در فرق الشیعه نوبختی نقل شده که برخی افراد حتی خدمت امام عسکری علیه السلام رسیده اند و تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را به ایشان تبریک گفته اند (نوبختی، ۱۳۸۱ش: ج ۱، ص ۱۵۴؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۹۳-۹۸). همچنین شیخ مفید در کتاب الإرشاد، نظیر این گونه ملاقات ها را ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳ (الف): ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۵).

گروهی معتقدند که چون هشت ماه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام سپری شد، برای ایشان پسری به دنیا آمد. بر این اساس، ادعای کسانی که می گویند امام حسن بن علی علیه السلام در دوران حیات

خود فرزندی داشته است، نادرست است؛ زیرا اگر امام در زمان حیات خویش دارای فرزند می‌بود، هرگز این امر پوشیده نمی‌ماند؛ همان‌گونه که دیگر امور پنهان نمی‌ماند. بنابراین می‌توان گفت که هنگام شهادت، امام عسکری علیه السلام فرزندی نداشته و در این موضوع هیچ ستیزی یا جنجالی وجود ندارد؛ اما هنگام شهادت ایشان، همسرش از وی باردار بوده و گواه آبستنی همسرش آن است که چون بر دولتیان ثابت گشت، از تقسیم میراث امام جلوگیری کردند، تا اینکه پس از هشت ماه از زمان درگذشت امام، آن زن پسری زایید که وی را بنا به دستور پدرش، «محمد» نام نهادند. این گروه بر این عقیده‌اند که امام عسکری علیه السلام از پیش، درباره این فرزند وصیت کرده و او را جانشین خود معرفی کرده است (نوبختی، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۴۶).

در پاسخ به این دسته باید گفت که شایسته نیست امامی درگذرد و از وی فرزندی نباشد که جانشین او شود؛ زیرا در این صورت امر امامت باطل می‌گردد و زمین از حجت الهی تهی می‌شود (نوبختی، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۴۷-۱۴۸). شیعه معتقد است اگر در پهنه گیتی تنها دو مرد باشند، ناچاریکی از آن دو، حجت و امام است و هرگاه یکی از ایشان بمیرد، دیگری جای او را می‌گیرد و حجت الهی باقی می‌ماند؛ بنابراین جهان هیچ‌گاه از حجت تهی نمی‌ماند (نوبختی، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۵۲-۱۵۴).

نتیجه‌گیری

جعفر بن علی، سومین پسر امام هادی علیه السلام در سه مرحله از زندگی‌اش ادعای امامت کرد و بستر پیدایش جریان‌های انحرافی رارقم زد و موجب تحیر جامعه آغازین غیبت شد. مسئله مهم این است که امروزه مستشرقان و برخی مخالفان شیعه، ادعای جعفر بن علی را دستاویزی برای شبهه افکنی به عقاید شیعه و انکار وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع و ضربه زدن به عقاید شیعه امامیه کردند.

در این مقاله به شبهه هاینس هالم آلمانی تبار پرداخته شد. هالم در کتاب تشیع، جعفر را رقیب امام پنهان می‌داند و حضور فیزیکی جعفر بن علی را در جامعه آغازین غیبت، دلیل بر حقانیت

او برمی شمارد. از نظر هاینس هالم، فرضیه نبودِ فرزند برای امام حسن عسکری (علیه السلام) از این طریق تقویت می شود که در وصیت نامه ایشان، نامی از فرزندشان ذکر نشده و ارث امام به مادر و برادرش منتقل شده است. در مراجعه به منابع شیعی می توان پاسخ این شبهات را یافت. مهم ترین اشکال وارد بر هاینس هالم، تکیه بر دلایل بی اساس، همچون پنهان بودن و عدم ذکر نام امام در وصیت نامه، است که هرگز نمی تواند به معنای نبود ایشان باشد، و نیز عدم استفاده کامل و دقیق از منابع شیعی که او را گرفتار این شبهه غیرعلمی کرده است.

پی نوشت

۱. «آیا به کسانی که گمان می کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده اند، ننگریستی، که می خواهند [در موارد نزاع و اختلافشان] داوری و محاکمه نزد طاغوت برند؟ [همان حاکمان ستمکار و قاضیان رشوه خواری که جز به باطل حکم نمی رانند]؛ درحالی که فرمان یافته اند به طاغوت کفر ورزند، و شیطان [با سوق دادنشان به محاکم طاغوت] می خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز به رحمت خدا دست نیابند] دچار کند» (نساء: ۶۰).

منابع

ابن ابی الثلج، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، تاریخ اهل البیت، قم: آل البیت.
ابن حزم ظاهری، علی بن احمد (بی تا)، الفصل فی الملل والأهواء والنحل، تصحیح، محمد ابراهیم نصر عبد الرحمن، بیروت: دار الجبل.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، المناقب، قم: انتشارات علامه.
ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)، تاریخ مدینه دمشق، محقق: علی شیری، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم المقاییس فی اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، تصحیح جلال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر.

ابی الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۸۵ق)، مقاتل الطالبیین، قم: دارالکتاب للطباعة والنشر. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش)، المقالات والفرق، تهران: علمی و فرهنگی.

انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.

تقی زاده انصاری، شهرام (۱۳۸۲)، «شیعه»، ماهنامه کتاب ماه دین، ش ۷۴، ص ۷۴-۷۸.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۳ش)، باب حادی عشر، ترجمه محمدعلی حسینی شهرستانی، تصحیح و تحقیق و تعلیق محمود افتخارزاده، تهران: دانش پرور.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۹۹۷م)، تاریخ بغداد، تاریخ مدینه السلام منذ تأسیسها حتی سنة ۴۶۳ق، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرساله.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالقلم.

رحیمی جعفری، محسن (۱۳۹۱)، حقیقت و فلسفه غیبت از منظر روایات، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

سعد بن عبدالله القمی (۱۹۶۳)، المقالات والفرق، مصحح: محمدجواد مشکور، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.

سید مرتضی، علی بن حسین (بی تا)، الشافی فی الإمامة، تحقیق سید عبدالزهرا حسینی خطیب، تهران: مؤسسه امام صادق ع.

شافع مهرآبادی، سید حسین؛ احمدی کچایی، مجید (۱۳۹۶)، «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی»، پژوهش های مهدوی، ش ۲۱، ص ۲۱-۲۲.

- شکعه، مصطفی (۱۴۱۶ق)، اسلام بلا مذهب، قاهره: الدار المصرية اللبنانية.
- صدر، محمد (۱۴۱۲)، تاریخ الغيبة، بیروت: دارالتعارف.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۷)، المقنع، تهران: المكتبة الاسلامية.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵) (الف)، کمال الدین وتمام النعمة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامية.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق) (ب)، الغيبة، ج ۲؛ «باب ما روي عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري عليه السلام من وقوع الغيبة بابنه القائم عجل الله تعالی فرجه والسموات واسعه له» وأنه الثاني عشر من الأئمة، تهران: دارالکتب الاسلامية.
- طبری شیعی، ابوجعفر محمد بن الجریر (۱۴۱۳)، دلائل الإمامة، قم: مؤسسة البعثة.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۸۷ش)، مجمع البحرين، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۳)، الغيبة، نجف: مكتب الاداب الشرقية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۸)، رجال الطوسي، مصحح: جواد القمی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- غلمانی، قدرت الله (۱۳۹۲)، «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی»، مجله اسلام پژوهان، ش ۳، ص ۷۷-۹۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر، قم: مؤسسة دار الهجرة.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافي، تهران: دارالکتب الاسلامية.
- مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، منتهی المقال في أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، تنقيح المقال، محقق: محمدرضا مامقانی، قم: موسسه آل البيت.
- مدرسی طباطبائی، سیدحسین (۱۳۸۸ش)، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، چ هفتم، تهران: کویر.

- معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، تهران: سرایش.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳) (الف)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: نشر کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق) (ب)، الفصول العشرة، تحقیق: فارس الحسون، بیروت: دارالمفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، بیروت: دارالمفید.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال نجاشی، محقق: موسی شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغيبة، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: مكتبة الصدوق.
- نوبختی، ابوالسهل اسماعیل بن علی (۱۳۸۱ش)، فرق الشیعة، ترجمه: محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هالم، هاینس (۱۳۸۵)، تشیع، مترجم: محمد تقی اکبری، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

References

- Abū al-Faraj al-Isfahānī, 'Alī b. Ḥusayn. 1385 AH. Maqātil al-Ṭālibiyyīn.* Qom: Dār al-Kitāb li-al-Ṭibā'a wa-al-Nashr.
- Anvarī, Ḥasan. 1381 Sh. *Farhang-i Bozorg-i Sokhan.* Tehran: Sokhan.
- Al-Ash'arī, Sa'd b. 'Abd Allāh. 1360 Sh. *Al-Maqālāt wa-al-Firaq.* Tehran: 'Ilmī wa-Farhangī.
- Al-Dhahabī, Shams al-Dīn Muḥammad. 1413 AH. *Siyar A'lām al-Nubalā'.* Edited by Shu'ayb al-Arnāūṭ. Beirut: Mu'assasat al-Risāla.
- al-Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad. 1409 AH. [*Kitāb*] *Al-'Ayn.* Qom: Nashr Hijrat.
- Al-Fayyūmī, Aḥmad b. Muḥammad. 1414 AH. *Al-Miṣbāḥ al-Munīr.* Qom: Mu'assasat Dār al-Hijra.
- Ghilmānī, Qudrat-Allāh. 1392 Sh. "Barrasi-yi Shakhshiyyat va 'Amalkard-i Ja'far b. 'Alī al-Hādī." *Islām-Pazhūhān* 3: 77–96.
- Halm, Heinz. 1385 Sh. *Tashayyu'.* Translated by Muḥammad Taqī Akbarī. Qom: Intishārāt Dānishgāh-i Adyān wa Mazāhib.

- Al-Hillī, Ḥasan b. Yūsuf. 1383 Sh. *Bāb Hādī 'Ashar*. Translated by Muḥammad 'Alī Ḥusaynī Shahrastānī. Edited by Maḥmūd Ifṭikhārzāda. Tehran: DānishParvar.
- Ibn Abī al-Thalj, Muḥammad b. Aḥmad. 1410 AH. *Tārīkh Ahl al-Bayt*. Qom: Āl al-Bayt.
- Ibn 'Asākir, 'Alī b. al-Ḥasan b. Hibat Allāh. 1415 AH / 1995 CE. *Tārīkh Madīnat Dimashq*. Edited by 'Alī Shīrī. Beirut: Dār al-Fikr li-al-Ṭibā'a wa-al-Nashr wa-al-Tawzī'.
- Ibn Fāris, Aḥmad. 1404 AH. *Mu'jam al-Maqāyīs fī al-Lughā*. Edited by 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmī.
- Ibn Ḥazm al-Zāhirī, 'Alī b. Aḥmad. n.d. *Al-Fiṣal fī al-Milal wa-al-Ahwā' wa-al-Niḥal*. Edited by Muḥammad Ibrāhīm Naṣr 'Abd al-Raḥmān. Beirut: Dār al-Jabal.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-'Arab*. Edited by Jalāl al-Dīn Mīrdāmādī. Beirut: Dār al-Fikr li-al-Ṭibā'a wa-al-Nashr.
- Ibn Shahr Āshūb, Muḥammad b. 'Alī. 1379 Sh. *Al-Manāqib*. Qom: Intishārāt 'Allāmah.
- al-Khaṭīb al-Baghdādī, Aḥmad b. 'Alī. 1997 CE. *Tārīkh Baghdād: Tārīkh Madīnat al-Salām*. Edited by Muṣṭafā 'Abd al-Qādir 'Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Al-Kulaynī, Abū Ja'far Muḥammad b. Ya'qūb. 1388 Sh. *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Māmaqānī, 'Abd Allāh. 1431 AH. *Tanqīh al-Maqāl*. Edited by Muḥammad Riḍā Māmaqānī. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Māzandarānī Ḥā'irī, Muḥammad b. Ismā'īl. 1416 AH. *Muntahā al-Maqāl fī Ahwāl al-Rijāl*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Modarressī Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Ḥusayn. 1388 Sh. *Maktab dar Farāyand-i Takāmul*. Translated by Hāshim Īzḍpanāh. 7th ed. Tehran: Kavīr.
- Mo'in, Muḥammad. 1385 Sh. *Farhang-i Fārsī*. Tehran: Sorāyesh.
- Al-Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad. 1413 AH (a). *Al-Irshād fī Ma'rifat Hujaj Allāh 'alā al-'Ibād*. Qom: Nashr Kongireh-yi Shaykh Mufīd.
- Al-Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad. 1413 AH (b). *Al-Fuṣūl al-'Ashara*. Edited by Fāris al-Ḥassūn. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Al-Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad. 1414 AH. *Awā'il al-Maqālāt fī al-Madhāhib wa-al-Mukhtārāt*. Beirut: Dār al-Mufīd.
- Al-Najāshī, Aḥmad b. 'Alī. 1365 Sh. *Rijāl al-Najāshī*. Edited by Mūsā Shubayrī Zanjanī. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn.

- Al-Nawbakhtī, Abū al-Sahl Ismā'īl b. 'Alī. 1381 Sh. *Firaq al-Shī'a*. Translated by Muḥammad Jawād Mashkūr. Tehran: Intishārāt 'Ilmī wa-Farhangī.
- Al-Nu'mānī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1397 AH. *Al-Ghayba*. Edited by 'Alī Akbar Ghafarī. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
- Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad. 1412 AH. *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān*. Edited by Ṣafwān 'Adnān al-Dāwūdī. Beirut: Dār al-Qalam.
- Raḥīmī Ja'farī, Muḥsin. 1391 Sh. *Ḥaqīqat wa Falsafa-yi Ghaybat az Manẓar-i Riwayāt*. Tehran: Bunyād-i Farhangī-yi Ḥaḍrat Mahdī ('aj).
- Sa'd b. 'Abd Allāh al-Qummī. 1963 CE. *Al-Maqālāt wa-al-Firaq*. Edited by Muḥammad Jawād Mashkūr. Tehran: Mu'assasa-yi Maṭbū'ātī-yi 'Aṭā'ī.
- Al-Ṣadr, Muḥammad. 1412 AH. *Tārīkh al-Ghayba*. Beirut: Dār al-Ta'aruf.
- Al-Ṣadūq (Ibn Bābawayh), Muḥammad b. 'Alī. 1377 Sh. *Al-Muqni'*. Tehran: al-Maktaba al-Islāmiyya.
- Al-Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh. 1395 AH (a). *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'ma*. Edited by 'Alī Akbar Ghafarī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Al-Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh. 1395 AH (b). *Al-Ghayba*. Vol. 2. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- al-Sayyid al-Murtaḍā, 'Alī b. Ḥusayn. n.d. *Al-Shāfi' fī al-Imāma*. Edited by Sayyid 'Abd al-Zahrā al-Ḥusaynī al-Khaṭīb. Tehran: Mu'assasat Imām Ṣādiq (AS).
- Shāfi' Mihrābādī, Sayyid Ḥusayn, and Majīd Aḥmadī Kachā'ī. 1396 Sh. "Kāwushī dar Bāzshenāsī-yi Shakhshiyyat-i Ja'far b. 'Alī al-Hādī." *Pazhūheshhā-yi Mahdavi* 21: 5–22.
- Shak'a, Muṣṭafā. 1416 AH. *Islām bilā Madhhab*. Cairo: al-Dār al-Miṣriyya al-Lubnāniyya.
- Al-Ṭabarī al-Shī'ī, Abū Ja'far Muḥammad b. al-Jarīr. 1413 AH. *Dalā'il al-Imāma*. Qom: Mu'assasat al-Ba'tha.
- Taqīzādeh Anṣārī, Shahrām. 1382 Sh. "Shī'a." *Kitāb-i Māh-i Dīn* 74: 74–78.
- Al-Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn. 1387 Sh. *Majma' al-Baḥrayn*. Tehran: Daftar Nashr Farhang-i Islāmī.
- Al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan. 1423 AH. *Al-Ghayba*. Najaf: Maktab al-Adab al-Sharqiyya.
- Al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan. 1428 AH. *Rijāl al-Ṭūsī*. Edited by Jawād al-Qummī al-Iṣfahānī. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.